

نظریه امامت در فلسفه مشاء تبیین شد

امامت در نظریه مشاء در نشست تخصصی خداشناسی، نبوت، امامت و مساله نفس و بدن مورد بررسی قرار گرفت.



امامت در نظریه مشاء در نشست تخصصی خداشناسی، نبوت، امامت و مساله نفس و بدن مورد بررسی قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری رسا، تبیین فلسفی امامت در فلسفه سیاسی مشاء عنوان مقاله ای از مرتضی یوسفی راد، عضو پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی بود که در نشست تخصصی خداشناسی، نبوت، امامت و مساله نفس و بدن مورد بررسی قرار گرفت.

این کارشناس علوم دین اظهار داشت: امامت نزد متفکران اسلامی اعم از فلاسفه و متکلمین از زمان طرح آن تاکنون بسیار مورد توجه بوده است و همواره یکی از دغدغه ها و مسایل اساسی فکری و اعتقادی آنها تلقی شده است.

این محقق علوم اسلامی بیان داشت: در میان فلاسفه، مشائون با اعتقاد به این که هر موجودی از غایتی خاص برخوردار است و موجودات زمینی غایتشان متاخر از وجودشان است.

وی ادامه داد: در مباحث نفس شناسی و انسان شناسی، مشائی ها دغدغه چرایی شناسانه دارند و همواره دغدغه سعادت و کمال انسانی را پیگیری می نماید و به موضوعات اساسی همچون سعادت، مدینه فاضله و سیاست فاضله به عنوان اسباب و لوازم ظهور و بروز استعدادهای کمالی اندیشیده و مساله امامت و راهبری جامعه را جهت ترسیم و تکمیل مدینه فاضله و تبیین ارزش های کمال و رشد و توسعه متعالی و تعیین راهبردها و سیاست راهبردی در نیل جامعه به سعادت فلسفه ورزی نموده اند.

وی اظهار داشت: در تبیین فلسفه امامت در فلسفه سیاسی از دو چارچوب چیستی شناسی و چرایی انسان در فلسفه مشاء بهره جویی شده است.

این محقق علوم انسانی، گفت: در چارچوب و نظریه نفس شناسی فلاسفه مشاء انسان از دیگر موجودات، قوه نطق به عنوان جوهر کمالی او می باشد و نفس با قوه ناطقه تعقل می کند و نسبت به ماده مقوم آن می شود و به تدبیر آن بر می آید.

وی بیان داشت: به اعتقاد فلاسفه مشاء انسان دارای نفس نباتی، حیوانی و انسان است و هر یک از این نفوس با قوایی که برای رشد و تکمیل استعداد خود دارند، تکمیل کننده بخشی از وجود و ماهیت انسان می باشند.

این استاد دانشگاه، گفت: برجستگی قوه ناطقه انسان در آن است که انسان با ادراک معقولات و معارف حقیقی و ادراکات جزئی عقل عملی، هویتی متفاوت از جنس خود یعنی حیوان گرفته و به هر میزانی که در ادراک معارف حقیقی و سعادت آورد و تخلق به فضایل نفسانی پیش می رود، از هویت و حیات حیوانی فاصله گرفته و به هویت انسانی او افزوده می شود.

وی با اشاره به اینکه چارچوب چرایی انسان بحث از علت غایی و علت وجودی انسان به میان می آید، گفت: در بحث علت غایی فلاسفه مشاء از جایگاه وجودی انسان در نظام سلسله مراتبی موجودات سخن به میان می آورند و فلسفه ورزی می کنند.

این محقق علوم اسلامی، گفت: مشائی ها جایگاه وجودی انسان را با انسان تام مطلق، فیلسوفان کامل (امام) تعبیر می کنند و علت غایی آن را سعادت نام یا قصوری می دانند.